

متن قرآن بر مبنای نظام و ساخت محکم دارد

گفت‌وگو با دکتر میشل کوپرس، نویسنده کتاب «ولیمه؛ تجزیه و تحلیل سوره مائده با استفاده از نظریه «بلاغت سامی»

اشاره

دکتر میشل کوپرس، نویسنده کتاب «ولیمه»؛ تجزیه و تحلیل سوره مائده، است. تخصص کوپرس، بررسی ادبی متن قرآن، به‌ویژه از لحاظ نظم و ارتباطش با متون ادبیاتی مقدس پیشین است. کوپرس از سال ۱۹۸۹ تاکنون در مصر، به‌عنوان عضو انستیتو دومینیکی به تحقیقات شرق‌شناسی (IDEO) اشتغال دارد. کتاب «ولیمه»؛ تجزیه و تحلیل سوره مائده، از منابع گوناگون اعم از اسلامی و غیر اسلامی، چه قدیم و چه جدید، و حتی از متون سامی، یهودی و مسیحی باستانی که کمتر کسی بر آن‌ها احاطه دارد، با تسلط و دقت کامل استفاده، و اصطلاحات و قوانین روش جدید «تجزیه و

تحلیل بلاغی» را به‌نحو ساده و روشن بیان و توضیح داده است. نویسنده با چهار فهرست مؤلفین، شواهد قرآنی، شواهد کتاب مقدس و مفاهیم، اثرش را به پایان رسانده است.

نظریه بلاغت سامی از یک جریان تحقیقات تورات-شناسی در نیمه قرن هجدهم نشأت گرفته و در اواخر قرن بیستم به صورت یک رشته مستقل به نام «تجزیه و تحلیل بلاغی» درآمد است. این رشته به بررسی متون سامی (اعم از نثر و شعر و متون مقدس در زبان‌های مختلف مانند عبری، آرامی، اکادی، اوگاریتی و غیره) می‌پردازد. دکتر کوپرس، اولین محققی است که به‌طور

پیوسته و گسترده این روش را در قرآن پژوهی به کار برده است که به نتایج جالب و قانع کننده برای حل و فصل مسئله پیچیده قرآن کریم دست یافته است.

لطفاً درباره پیشینه مطالعات اسلامی خود قدری توضیح دهید.

دکتر میشل کوپیرس: بنده سابقه مطالعات اسلامی، به طور کلی ندارم. نمی توانم بگویم که متخصص اسلام هستم، چون تخصص بنده ادبیات بوده است و پژوهش من در قرآن نیز دارای رویکرد ادبی است. البته برای این کار مطالعات بسیاری در حوزه دین اسلام داشتیم. دیدگاه من در متن قرآن، ادبی بوده است و کتابی که نگاشتیم، سعی بر این دارد که به این پرسش پاسخ دهد که آیا متن قرآن نظم و ساخت خاصی دارد، یا این که تنها قطعات و موضوعات مختلف را بیان می کند. مستشرقین معتقدند که متن قرآن، نظم چندانی ندارد و بنده به این سخن قانع نبودم و فکر کردم که شاید نظمی در آن وجود داشته باشد و در پی این فرضیه به این پژوهش پرداختم. چون در کتاب مقدس نیز متونی وجود دارد که به ظاهر شکل بی نظمی دارد و دانشمندان فن، بالاخره بر اساس قواعدی که «نظریه بلاغت سامی» نام دارد، به این نتیجه رسیدند که این متون دارای نظم است.

بلاغت سامی چگونه نظریه ای است؟ آیا با قواعد بلاغی دیگر، مانند بلاغت عربی متفاوت است؟

دکتر میشل کوپیرس: بلاغت عربی چنان که می شناسیم، بیشتر با تصاویر بلاغت، مانند کنایه، تشبیه، استعاره و... آشنا است، اما هیچ وقت در این بلاغت این پرسش مطرح نبوده که ساخت کلی گفتار چگونه است؟ ساخت گفتار در تمام جزئیات و کلی گفتار چه طور است؟

طبق بلاغت سامی، متن بر اساس یک سلسله قرینه ها منظم شده است، به طوری که اگر قطعه ای از متن دیده می شود، مطمئن هستی که قطعه دیگری پیدا می شود که با این قطعه مرتبط است. این ارتباط می تواند دور یا نزدیک باشد. این قرینه ها به سه شکل اند؛ یکی توازی است، شکل دوم، توازی عکسی، یا معکوس است و شکل سوم، دایره ای است. با این موارد می توان فهمید که متن کتاب مقدس و قرآن، اگرچه ظاهر نامنظمی دارد، دارای ساخت و نظمی پیچیده است.

علت انتخاب این موضوع برای پژوهش چه بوده است؟

دکتر میشل کوپیرس: بنده در حین گذراندن دوره دکتری ادبیات فارسی در ایران، وارد تحقیق در تحلیل ساخت متن شدم. برای نمونه، داستان های کوتاه جمال زاده را تحلیل نمودم. مسئله من از آن زمان، این بود که از خودم پرسیدم، یک متن عربی، چه طور ساخته شده است؟ به تدریج به این نتیجه رسیدم که به مطالعه مهم ترین متن

عربی و تمدن اسلامی، قرآن بپردازم. وقتی مطالعه بر متن قرآن را آغاز کردم، مسئله نظم قرآن توجهم را به خود جلب کرد. البته این مسئله در تمدن اسلامی، یک مسئله قدیمی است. از ابتدای اسلام، این سؤال مطرح بوده که آیا قرآن نظمی داشته یا خیر؟ به تدریج، افرادی مانند زرکشی، سیوطی از علم مناسبات و تناسب بین آیات سخن گفتند. بنده در حین مطالعه منابع، قدری به پاسخ این سؤال دست یافتم، اما چندان قانع نشدم. از طریق مطالعاتی که روی کتاب مقدس انجام شده بود، با قوانین متن کتاب مقدس آشنا شدم و سعی کردم که از همان قوانین استفاده کرده تا ببینم که آیا این قوانین در تحلیل متن قرآن نیز قابل استفاده است؟ چندین سال روی سوره های کوچک قرآن کار کردم، تا این که سوره بلند مائده را انتخاب کردم و به تحلیل آن پرداختم و به این نتیجه رسیدم که این سوره، برخلاف ظاهر نامنظم، نظم و ساخت محکمی دارد.

چرا سوره مائده؟

دکتر میشل کوپیرس: من ابتدا از سوره های کوتاه آغاز کردم و چون سوره های کوتاه متعلق به ابتدای وحی قرآن است، این پرسش برایم مطرح شد که آیا سوره های پایانی وحی نیز دارای چنین نظمی است؟ اگر این گونه باشد، می شود چنین نظمی را به کل متن قرآن نسبت داد. چون در تفاسیر خوانده بودم که آخرین آیات وحی، متعلق به سوره مائده است، این سوره را انتخاب کردم و فرضیه ام ثابت شد.

علت انتخاب نام ولیمه برای این پژوهش چه بوده؟

دکتر میشل کوپیرس: به زبان فرانسه، «مائده» را «میز» ترجمه کرده بودند، احساس کردم، لفظ میز، مناسب و زیبا نیست، از این رو «ولیمه» را مناسب دیدم که البته این نام، قرائت دومی هم دارد که «تجزیه و تحلیل سوره مائده» است. البته در مقدمه کتاب نیز اشاره کردم که «ولیمه» ترجمه دقیق «مائده» نیست، بلکه اشاره ای به این اصطلاح است.

نتایج جدیدی که از این پژوهش به دست می آید، چیست؟

دکتر میشل کوپیرس: اولین نتیجه این است که متن قرآن، که در ظاهر چندان منظم دیده نمی شود و دارای وحدت منطقی نیست، این گونه نیست، بلکه این وحدت تا به حال مشاهده نشده است. البته بزرگانی چون، فخرالدین رازی، به این وحدت اشاراتی داشتند، ولی یک تئوری کامل در این باره نداشتند. نتیجه جالب دیگر این که این مسئله، تنها یک مسئله صرفاً زیباشناسی نیست، بلکه شناخت این ساختار، به فهم قرآن نیز کمک می کند.